



این شماره:

حماسه همیشه جاوید

کربلا کجاست!

محمد بهمنی

کربلا خاک نیست. اندیشه است. تحلیل است. دوست و دشمن، از همان روز اول با تحلیل به کربلا نگاه می‌کردند. اما هرکس با نگاه خودش تحلیل می‌کرد. عبيدالله همین که چشمش به اسرای کربلا و حضرت زینب (ع) افتاد، کربلا را تحلیل کرد. خواست زخم زبان بزند ولی، تحلیل خودش از کربلا را القا کرد. گفت: خدا شما را کشت. یعنی این قضا و قدر بود. کسی مقصر نیست. و اگر مقصری در کار باشد، خود شما اهل بیت حسین هستید. شما که زیر بار نظم یزیدی نرفتید.

عبيدالله با این تحلیلش دارد همه عظمت قیام کربلا و شهادت امام حسین (ع) و خباثت جبهه یزید و معاویه را پنهان می‌کند. جواب حضرت زینب (ع) و رسالت پیامبری کربلا، مبارزه با این تحلیل‌های معاویه‌ای است. حضرت زینب فرمودند: ما از خدا جز نیکی و زیبایی ندیدیم ولی شما ما را کشتید.

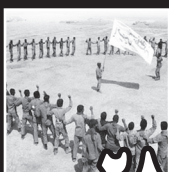
یعنی نورانیت کربلا و امام حسین (ع) و زینب (ع) ظلمت ۵۰ ساله روش غیر الهی معاویه‌ای را بر ملا می‌سازد. نشان همه می‌دهد که کربلا نتیجه یک انحراف ۵۰ ساله است. از رحلت پیامبر تا کنون و حتی بعد از این. برای همین است که حضرت زینب وقتی با برادرش مناجات می‌کند او را کشته جمعه یعنی روز عاشورا و کشته دوشنبه یعنی روز رحلت رسول الله و ماجرای سقیفه می‌داند. حضرت زینب می‌خواهد به ما و همه تاریخ بفهماند که حسین کشته انحرافی است که از مدینه شروع شد...

«
پسرانه



۲۱

«
هیئت‌های رزمندگان



۲۸

«
استفتائات محرمی



۲۶

«
اتفاق خیلی هم با منبری داریم



۲۲

پرونده ویژه



حسین، متذکر خودآگاهی

امام حسین (علیه السلام) برای همیشه عاملی شد که معنی خودآگاهی را در هر عصری به انسان‌ها آموزش دهد تا متوجه شوند از راه دین، و به روش حسین (علیه السلام) می‌توان در هر زمانی خودآگاهانه زندگی کرد و همواره اتصال عهد خود را با حقیقت و با نبوت محفوظ داشت و متوجه بود سایه سیاه تبلیغات اموی نباید ما را از عهد نبوی غافل کند و به پوسیدگی در زندگی بکشاند. امویان، مردم را از آن عالم باطنی که پیامبر اکرم پیام‌آور آن بود غافل می‌کردند و حسین تجدیدکننده آن عهد و آن باطن بود و این جبهه هنوز گشوده است.

هر انسانی تا آگاهی به زمان خود نداشته باشد و راه‌هایی از طلسم زمانه را نشناسد نمی‌تواند درست زندگی کند. عظمت نهضت امام حسین (علیه السلام) در این است که خودآگاهی لازم را برای شناخت و تحلیل همان عهدی که در آن زندگی می‌کنیم به ما می‌دهد. روش دشمنان ما، روش ایجاد ترس و رعب و پوچ کردن زندگی و گرم کردن بازار سازش و چاپلوسی بوده است، و تنها راه مقابله با آن، راه اباعبدالله است، تا بتوانیم حیل‌های دشمن اموی را با خودآگاهی به شرایط تاریخی خود، درست تحلیل

ترس، منشأ انتخاب

در زمان معاویه همه چیز بر مبنای ترس تنظیم شده است. معاویه بر اساس ترس بیعت می‌گیرد، ترس، حافظ نظم زمانه شده است و ترس‌های چاپلوس میدان‌داران چنین نظامی هستند، حتی معاویه خوب می‌داند که در زمان خلافت علی می‌تواند با ترسی که در حوزه حکومت آن حضرت ایجاد می‌کند مقاومت مردم را از بین ببرد و عملاً از طریق غارت‌های «بُسرین‌ارطاط‌ها»، در حوزه حکومت حضرت اختلال ایجاد می‌کند. وحشت از عدم رفاه، عامل سکوت و سکون همه افراد شده است. مردمی که اکنون ده‌ها سال است به تن‌آسایی و پرخوری خو کرده‌اند، ترس جدا شدن از آن تن‌پروری، آنها را به هر کاری می‌کشاند و به هر تسلیمی تن درمی‌دهند.

انتخابی فوق‌رسم زمانه

نهضت امام حسین (علیه السلام) یک انتخاب واقعی و فراتر از رسم زمانه است. انتخابی آزادانه که بر محور آگاهی انجام گرفته است. و برعکس؛ ترس، مبنای حرکت انسان جامعه‌زده و مرعوب است. و چنین انسانی انتخاب آزاد ندارد. انتخابی که بر اساس کشش‌های غریزه و یا ترس باشد، آزادانه نیست. معاویه می‌داند که عده‌ای تحت‌تأثیر جو جامعه، انتخاب و زندگی می‌کنند و در حقیقت انتخاب ندارند و لذا معاویه نقشه و حيله خود را از همین‌جا شروع می‌کند و همان افراد را طعمه سیاست‌های خود قرار می‌دهد و چنین انسان‌هایی کم نیستند. معاویه حکومت زورمدارانه‌ای را برپا می‌کند که انسان دارای اقتدار روحی، آن شرایط را نمی‌تواند تحمل کند، ولی انسان‌های بی‌محتوا، به راحتی طعمه پوچی زمانه‌ای می‌شوند که ترس بر آن حکومت می‌کند و آلت دست قرار می‌گیرند.



روانکاوای کوفیان

کوفیان زمانِ حسین آدم‌های عجیبی هستند که دل‌شان را به معاویه سپردند و خدا و دین و پیغمبرشان را معاویه قرار دادند. کوفیان نه می‌توانند دل از پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ بردارند و نه می‌توانند از دنیا دل بکنند، نه ترس را می‌توانند زیر پا بگذارند و نه دین‌شان را. این است که دائم در صحنه‌های امتحان الهی دچار مشکل شده‌اند و کوفیانی نجات یافتند که کار را یک‌سره کردند، مثل مسلم‌بن عوسجه و حبیب بن مظاهر.

نسلی که در فرهنگ معاویه‌ای زندگی کند، همین گرفتاری را دارد. معاویه همواره در تلاش بود تا مردم دل به عرش نبندند و آن‌قدر هم خود معاویه جذاب نیست که بتوان دل را به او سپرد.

حسین ﷺ در چنین شرایطی کوفیان را بیدار کرد که ریشه مشکل کجاست و عده‌ای را نیز نجات داد، هرچند کوفیان حسین را یاری نکردند.

کوفیان انعکاس مردمی هستند که یاد عهد اسلامی را رها نکرده‌اند، ولی در و دیوارهای فرهنگ معاویه‌ای گرفتارشان کرده است و یک جرأت نیاز دارند تا آن‌ها را به خراب کردن آن دیوار بکشاند و به آن‌ها شجاعت ببخشد.

حسین ﷺ مظهر این شجاعت بخشیدن بود و به دست همین کوفیان است که پس از حسین، فرهنگ یزیدی زیر و رو شد، تا تنگی را که بر دامن خود نشانده بودند، بشویند. کربلا؛ بشر را از حقارت، یعنی «ترس از مرگ» نجات می‌دهد. آیا امروز این همه ذلت انسانیت را در فرهنگ غرب حس می‌کنید؟ ما در چنین شرایطی برای نجات خود و نسل جوان یک امید بیشتر نداریم و آن فقط امید به کربلاست.

انقلاب اسلامی با فرهنگ کربلا پیروز شد و ماه محرم بود که کار را یک‌سره کرد.

«سولیوان» سفیر آمریکا در ایران (سال ۷۵) می‌گوید: «در ملاقاتی که قبل از محرم آن سال با شاه داشتیم، او گفت: اگر از محرم امسال، سالم بگذریم پیروز می‌شویم». دلیل این حرف این بود که شاه خودش را از کربلا ضربه‌پذیر می‌دید.

کنیم و طعمه نقشه‌های او قرار نگیریم، چراکه او واقعا پیچیده‌تر از آن است که بتوان با عقل خود و بدون نور حسین از آن حيله‌ها گذشت.

اباعبدالله با روش خود، ما را به آن چنان خودآگاهی می‌رساند که هیچ وقت تلاش و تحرک مطابق با آن روش، به شکست منتهی نمی‌شود.

دشمن امروز بشریت، همان دشمن حسین ﷺ در کربلا است. و حسین ﷺ به‌عنوان معصومی آمده تا ریزه‌کاری‌های فرهنگ دشمن را با تمام ابعادش به ما نشان دهد و راه مقابله همه‌جانبه با آن را به ما نشان بدهد. و بقیه ائمه نیز حافظ رسالت کربلا بوده‌اند؛ کربلایی که می‌تواند ماوراء ترسی که دشمن ایجاد می‌کند، به انسان قدرت انتخاب صحیح بدهد.

اما یزید...

یزید می‌خواست معنویت و عبودیت نماند، اما خودش نابود شد. ما هم با هر فرهنگی که معنویت ستیزی می‌کند، برخورد حسینی داریم و این برخورد تا قیام قیامت پای برجاست و ماندن در چنین جبهه‌ای با چنین رویارویی، زندگی همیشگی ماست، چراکه زندگی یعنی اقتدا کردن به حسین ﷺ و اهل بیت ﷺ. ما در این دنیا کاری جز بندگی نداریم.

امام خمینی رحمه الله هم شاگرد همین مکتب است. به همین دلیل وقتی از علت انقلاب ایران می‌گوید، تحول بزرگ روحی و اخلاقی را علت پیروزی انقلاب ایران می‌داند. یعنی مردم اول از فرهنگ ترس و ناامیدی معاویه‌ای و یزیدی خارج شدند. به سرزمین امید و نشاط حسینی پا گذاشتند و توانستند در برابر آمریکا و اسرائیل و همه قدرت‌های مخالف بایستند. و به همین دلیل بود که امام خمینی رحمه الله فرمود: هر چه داریم از محرم و صفر است و ملتی که شهادت دارد ذلت ندارد.